



کتابخانه خجسته رات، انتشا

از خیابان انقلاب به بعد-۳

خیابان و نبض شهر

نبض خیابان انقلاب، نبض شهر هم هست، هم به دلیل موقعیت مکانی و مرکزیت آن و هم به دلیل هویتی که خیابان به عابرانش می‌دهد. از هر نقطه‌ای در حوالی انقلاب که وارد پیاده‌روهای آن شوی، جزوی از جمعیتی شده‌ای که در طول پیاده‌روها بدون نظم و ترتیب خاصی پیش می‌روند و گاه به گاه متوقف می‌شوند یا به عقب برمی‌گردند.

در دل جمعیت می‌توان صدا (یا سکوت) مردم و خیابان را بدون هیچ واسطه‌ای شنید. صداهایی که در نهایت، شکل‌دهنده صدای خیابان‌اند؛ صدای حرکت ماشین‌هایی که سر چهارراه‌ها توقف می‌کنند و دوباره به راه می‌افتند، صداه و زمزمه‌های مردم درون پیاده‌رو، صداهای ضبط شده‌ای که از پاساژهای کتابفروشی به گوش می‌رسند و می‌خواهند توجه عابران پیاده را به کتاب‌های نایاب و دست دوم جلب کنند و... خیابان انقلاب همیشه «پر از صدا» بوده است، صدایی که انگار واضح‌تر از هر جای دیگری از شهر شنیده می‌شود. به انقلاب که وارد شوی، چه در پیاده‌رو و چه در کتابفروشی‌ها، در متن بحث‌های روزمره مردم قرار می‌گیری. خاصه وقتی که قرار است این مردم در معرض انتخاب قرار گیرند. یک روز پیش از تأیید صلاحیت کاندیداهای تمام شایعاتی که حول‌وحوش آن وجود دارد از خیابان شنیده می‌شود. حتی انگار این صداها در شکل و شمایل ویتربن برخی کتابفروشی‌ها هم رخنه کرده‌اند. مثلاً در ویتربن کتابفروشی یکی از موسسه‌های انتشاراتی دولتی راسته انقلاب، کتاب‌هایی که در نقد یکی از افسردی که کاندیدای انتخابات شده به ردیف چیده شده و در معرض دید رهگذران قرار گرفته است. به بیشتر کتابفروشی‌ها هم که وارد شوی، گفت‌وگهای مردم، حول همین موضوعات می‌گردد. پرسش اساسی و مشترک این است که «چه می‌شود و چه باید کرد؟»

کتابفروشی خجسته

اگر از در اصلی بازارچه کتاب در خود خیابان انقلاب وارد بازارچه شوی، اولین کتابفروشنی‌ای که متوقف می‌کند، کتابفروشی انتشارات خجسته است. پشت ویتربن کتابفروشی خجسته از کتاب‌های قدیمی خود این نشر تا کتاب‌های جدید ناشران مختلف دیده می‌شود. در یک گوشه از ویتربن، معدود

۷ ادامه از صفحه
۷ بعضی جزئیات را جوری شرح می‌دهد که آدم فکر می‌کند بعد است خودش تجربه‌ای شخصی از آنها نداشته باشد...

خب مک‌کارتی نویسنده‌ای است که در ایام جوانی‌اش تقریباً تمام آمریکا را گشته و خودش هم در مصاحبه‌هایش گفته است که «هیچ‌وقت راجع به چیزی که نمی‌شناخته‌ام، ننوشت‌ام.»

۸ وجه دیگر کار مک‌مکارتی، اسطوره است. یعنی در کار او انگار با روایتی اساطیری از تاریخ غرب‌وحشی سروکار داریم. با یک تاریخ اسطوره‌ای‌شده.

مثلا ماجرای تیر خوردن بوید – برادر بیلی – که به‌مرور دست‌مايه‌ای می‌شود برای یک شعر عامیانه و ابعادی اسطوره‌ای و حماسی پیدا می‌کند. مخصوصا که این، در سرزمینی اتفاق می‌افتد که درگیرودار انقلاب است و در مرکز یک

در کوران انقلاب گویا همه چیز آماده است برای تن دادن به اسطوره‌شدن. در مورد ماجرای تیر خوردن بوید و آن منظومه عامیانه، نکته‌ای که وجود دارد این استست که به گفته یکی از پرسس‌نوتارهای رمان، داستان این منظومه، خیلی قدیمی است و قبل از اینکه بوید تیر بخورد ساخته شده و حالا که این اتفاق برای بوید افتاده، او را در قالب این منظومه آ‌پیش‌آماده قرار داده‌اند. انگار قالب‌های از پیش‌ساخته و آمادای وجود دارند و بعد شخصیت‌هایی پیدا می‌شوند که در این قالب‌ها می‌گنجند و این، شبیه آن چیزی است که نیچه آن را «ژان‌گشت ابدی» نامیده است. انگار که همیشه یک نفر مثل بوید بوده و یک نفر مثل بوید خواهد بود و منظومه‌اش هم از قبل ساخته شده و فقط باید آدمی پیدا شود که در این منظومه بگنجد. حالا این آدم یک وقتی مثل بوید موبر است و یک‌وقت یک‌جور دیگر و اینها فقط فرق‌های جزئی است اما همیشه چنین آدمی بوده و هست و خواهد بود.

۹ می‌رسیم به سبک ادبی مک‌کارتی و نثرش. نثر ترجمه رمان، نثر خاصی است. مثلاً فعل‌ها و کلمات خیلی وقت‌ها عیناً تکرار می‌شود. این نوع تکرار‌ها جزو سبک نوشتاری نویسنده‌بود؟

نویسنده‌گانی هستند که به آنها استیلیست یا سبک‌گرا می‌گویند. این نویسندگان، در نثرشان سبک و شیوه خاصی دارند و آن را در تمام آثارشان به کار می‌گیرند. کورمک مک‌کارتی هم از آن جمله است و در تمام آثارش یک نثر خاص را به کار می‌گیرد که این نثر، به‌رغم تغییر مضمون در هر اثر، تغییر نمی‌کند. آن تکرار‌هایی که می‌گویید، جزو سبک و شیوه نگارش مک‌کارتی است و برای همین باید در ترجمه هم آن را لحاظ می‌کردم. گذرگاه را کسی ویرایش نکرد، اما همه اسب‌های زیبا را کسی ویرایش کرد که ویراستار خیلی خوبی بود و متأسفانه چون هنگام ترجمه گذرگاه گرفتار بود، نشد که گذرگاه را هم ویرایش کند. اما هنگام ویراستاری «همه اسب‌های زیبا» من مدام به

ادبیات

راتلج» با ترجمه علی معظمی است و دیگری چاپ نهم کتاب «چنین کنند بزرگان» که نجف دریابندری سال‌ها پیش به فارسی بر گردانده بود. تاریخ فلسفه راتلج مجموعه‌ای است که مهم‌ترین ویژگی‌اش نوشته‌شدن آن توسط تعداد زیادی از نویسندگان حوزه‌های تخصصی فلسفه است. حسن مرتضوی و علی معظمی کار ترجمه این مجموعه را به عهده گرفت‌اند و جلد‌های دیگر این مجموعه هم به تدریج منتشر خواهند شد. اما «چنین کنند بزرگان» عنوان کتابی از ویل کاپی است که بخش‌هایی از آن نخستین‌بار در سال ۱۳۴۷ در خوشه چاپ شده بود. اما چاپ نهم کتاب، دوباره ویرایش شده و دو قطعه جدید به چاپ‌های قبلی افزوده شده است. چاپ نهم «چنین کنند بزرگان» از طرف انتشارات کتاب پرواز منتشر شده است. بدون شک دریابندری از پیش‌روترین و تأثیرگذارترین مترجمان معاصر ماست و آثار مهمی از ادبیات جهان با ترجمه‌های او به ایران معرفی شده‌اند. او سال‌ها پیش با ترجمه دو کتاب «گتایم» و «بیلی پتیکت» از دکتروف، موجب شهرت این نویسنده آمریکایی در ایران شد. مهم‌ترین کتابی هم که در حوزه ادبیات در همین چند روز اخیر به بازار کتاب آمده، ترجمه یکی دیگر از رمان‌های دکتروف است. «پیش روی»، نام این کتاب است که با ترجمه امیر احمدی آریان و از طرف نشر زاوش منتشر شده. البته در این ترجمه نام نویسنده به صورت «دکترو» آمده که نشان می‌دهد به نظر مترجم تلفظ صحیح نام او برخلاف آنچه در تمام این سال‌ها رایج بوده، اینگونه است. «پیش روی» رمانی حجیم و پر از شخصیت است و موضوع آن جنگ داخلی در آمریکا است. این رمان در زمان انتشارش بحث‌های زیادی در خود آمریکا به وجود آورد.

اما به جز کتاب‌های تازه منتشر شده، چند کتاب دیگر از خود انتشارات خجسته در میز یا قفسه‌های کتابفروشی قرار دارند که توجهت را به خود جلب می‌کنند. یکی از این کتاب‌ها، «گزیده امثال و حکم» دهخدا به کوشش سیدمحمد دبیرسیاقی است و دیگری مجموعه‌ای با نام ادبیات پلیسی کلاسیک که چهار جلد از آن با ترجمه کاظم اسماعیلی منتشر شده است. «مگره می‌ترسد»، «مگره و شاهدان خاموش» و «مگره و مرد خانه به دوش» سه اثر پلیسی از ژرژ سیمنون است و کتاب چهارم هم اثری است از الری کویین با نام «هم‌ای دوقلوهای به هم چسبیده». ژرژ سیمنون در ایران و به واسطه آثار زیادی که از او به فارسی منتشر شده، شناخته شده است. انتشارات جهان کتاب نیز اخیراً و در قالب «مجموعه نقاب» چند کتاب از آثار سیمنون را با ترجمه عباس آگاهی منتشر کرده است. آثاری مثل: سفر مگره، دلوایسی‌های مگره، مگره از خود دفاع می‌کند، تردید مگره، شکیبایی مگره و مگره و سایه پشت پنجره. سیمنون، نویسنده فرانسوی‌زبان بلژیکی، بیشتر با فضاسازی‌های ملموس و تصویری که از روحيات شخصیت‌های داستانی‌اش می‌دهد مشهور است. سیمنون در آثارش بسیاری از امور ناممکن را به شکلی پذیرفتنی به تصویر می‌کشد و مهم‌تر از این، تصویری از فضای جامعه نیز ارایه می‌دهد. «مگره»، کار آگاه و قهرمان آثار سیمنون، اگرچه هوش چندین درخشانی ندارد اما می‌تواند در بزنگاه‌ها از پس درک مسایل و وضعیت‌های پیش آمده برآید. سیمنون مورد ستایش بسیاری از نویسندگان از جمله دشیل همت و آندره ژید قرار گرفته است.

از دیگر مجموعه‌های قابل توجهی که انتشارات خجسته منتشر کرده، مجموعه‌ای با نام «آ‌را و عقاید سیاسی» است که به شرح زندگی و اندیشه‌های برخی از متفکران سیاسی قرن نوزدهم و بیستم می‌پردازد. متفکرانی که بر پایه مکتب‌ای آنان حکومت‌هایی شکل گرفته و سپس با هم یا پاشیده یا دچار تحول شده‌اند. از جمله کتاب‌های این مجموعه می‌توان به «هارکس و مارکسیسم» نوشته چارلز ریات میلز، «لنین و لنینیسم» نوشته دیوید شوب و «استالین و استالینیسم» نوشته آن‌ل وود اشاره کرد که هرسه کتاب توسط محمد رفیعی مهرآبادی به فارسی ترجمه شده‌اند. کتاب مارکس و مارکسیسم به واسطه اهمیت نویسنده‌اش از جمله مهم‌ترین آثاری است که درباره مارکس به فارسی منتشر شده است.

اما به نظر می‌رسد که کتابفروش انتشارات خجسته چندان از اوضاع فروش راضی نیست و تنها دو کتاب را به عنوان کتاب‌های پرفروش خود معرفی می‌کند. دو کتابی که هیچ‌یک جزو آثار تازه منتشر شده هم نیستند. یکی کتاب «سیاست‌های خیابانی» آصف بیات که از طرف نشر شیرازه منتشر شده و مدتی پیش از جمله کتاب‌های پرفروش اختران هم بود و دیگری کتاب «در باب حکمت زندگی» آرتور شوپنهاور که توسط محمد مشیری ترجمه شده و انتشارات نیلوفر ناشر آن است. در باب حکمت زندگی در سال ۱۳۸۸ منتشر شد. شوپنهاور در این کتاب برای توضیح و همچنین تأیید آرای خود در باب حکمت عملی و دستیابی به سعادت، به نقل سخنانی از متفکران مختلف پرداخته و عقاید خود را نیز بر آنها افزوده است.

راتلج

راتلج

راتلج

راتلج

راتلج

راتلج

راتلج

راتلج

راتلج

راتلج

راتلج

راتلج

راتلج

راتلج

راتلج

راتلج

راتلج

راتلج

راتلج

راتلج

راتلج

راتلج

راتلج

راتلج

راتلج

راتلج

راتلج

راتلج

راتلج

راتلج

راتلج

راتلج

راتلج

راتلج

راتلج

راتلج

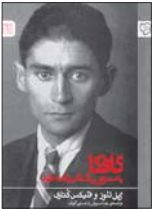
راتلج

راتلج

مرور

مروری بر کتاب «کافکا» انقلاب متن

«زیل دلوز» و «فلیکس گتاری» از جمله متفکران معاصرې هستند که در ایران و به واسطه ترجمه‌هایی که از آثارشان صورت گرفته شناخته شده‌اند. شاید بتوان با نگاهی به نحوه ترجمه آثار دلوز و گتاری در ایران، این دو را از جذاب‌ترین متفکران معاصر در فضای فکری ایران دانست. پیش از این اثری از دلوز با دو ترجمه مختلف و تقریباً هم‌زمان به بازار کتاب ایران عرضه شده بود. در سال ۱۳۹۰ کتاب «فرانسیس بیکن: منطق احساس» با دو ترجمه حامد علی‌آقایی (انتشارات حرفه هنرمند) و بلک سلیمی‌زاده (انتشارات روزبهان) به بازار کتاب ایران آمد و به‌تازگی هم کتاب دیگری از دلوز و گتاری با فاصله زمانی اندکی با دو ترجمه به فارسی منتشر شده است. فروردين امسال کتاب «کافکا به‌سوی یک ادبیات خرد» که از جمله آثار مشترک دلوز و گتاری است با ترجمه رضا سیروان و نسترن گوران از طرف انتشارات رخداد نو منتشر شد. تقریباً یک‌ماه بعد از آن، ترجمه دیگری از این کتاب با عنوان «کافکا به‌سوی ادبیات اقلیت» با ترجمه حسین نمکین و توسط نشر بیدگل روانه بازار شد. ترجمه‌ای که توسط انتشارات رخدادنو به بازار آمد، از جمله کتاب‌هایی است که تحت عنوان کلی «مجموعه ادبیات و زندگی» توسط این نشر منتشر شد. مجموعه‌ای که براساس توضیح



کافکا به سوی یک ادبیات خرد مترجمان: رضا سیروان نسترن گوران ناشر: رخ داد نو قیمت: ۶۴۰ تومان

دبیر آن، می‌خواهد به «چهره‌های موجود در مرز بارزیک‌های ادبیات و فلسفه» بپردازد. از نظر اول این کتاب با عنوان مستعد برای ورود قوای شیطانی با این پرسش شروع می‌شود که «چگونه می‌توانیم به اثری از کافکا وارد شویم؟» و این بحث با وام‌گرفتن از خود کافکا و ارجاع به تمثیل‌های او در «قصر» و «آمریکا» و «حاکمه» و دیگر آثار کافکا پی گرفته می‌شود. پس از بحث درباره محتوا و بیان، فصل سوم کتاب در پی پاسخ به مهم‌ترین پرسش این کتاب برمی‌آید و آن اینکه «ادبیات خرد چیست؟» دلوز و گتاری در این فصل بر این مسأله دست می‌گذارند که کافکا مسأله بیان را نه به شیوای انتزاعی و کلی، بلکه در ارتباط با ادبیات‌هایی که خرد خوانده می‌شوند، طرح می‌کند. آنها ادبیات پهبودی در ورشو یا پراگ را هم نمونه‌ای از این نوع نگاه معرفی می‌کنند. دلوز و گتاری در توضیح ادبیات خرد تأکید دارند که «یک ادبیات خرد، ادبیات یک زبان اقلیت نیست، بلکه ادبیات است که یک قابلیت در یک زبان اکثریت می‌سازد. اما به هر ترتیب نخستین خصیصه ادبیات خرد این است که زبان اینجا از یک عامل قدرتمند قلبروزی تأثیر گرفته است. کافکا به این معنا بی‌سستی را که از دست‌ری یهودیان پراگ به نوشتار جلوگیری می‌کند و از ادبیات‌شان چیزی نامگیری می‌سازد، نشان می‌دهد: ناممکن بودن نوشتن، ناممکن بودن نوشتن به آلمانی، ناممکن بودن نوشتن به گونه‌ای دیگر». ناممکن بودن نوشتن از آن‌رو که «گاهی ملی، این آگاهی نامطمئن و سرکوب شده»، ضرورتاً از طریق ادبیات می‌تواند وجود داشته باشد. ویژگی دیگر ادبیات خرد این است که همه چیز در آن سیاسی است. چراکه فضای کوچک و محدود آن موجب می‌شود که هر مسأله فردی فوراً به سیاست پیوند بخورد. ویژگی سوم ادبیات خرد هم این است که «همه چیز در آن ارزشی جمعی می‌یابد» اما به جز دو ترجمه اخیرى که از این کتاب شده، سال‌ها پیش فصل سوم آن با عنوان «ادبیات اقلیت چیست؟»، با ترجمه بلک احمدی در کتاب «سرگشتگی نسل‌ها» (گزینش و ویرایش مکی حقیقی) چاپ شده بود. «کافکا به س‌وی یک ادبیات خرد»، ۹ فصل با این عناوین دارد: محتوا و بیان، ادیبی بسیار بزرگ، ادبیات خرد چیست؟ اجزای تشکیل‌دهنده بیان، درنمادگذاری و میل، تکثیر س‌ری‌ها، اتصال دهنده، بلوک‌ها، س‌ری‌ها، شدت‌ها و یک سرهم‌بندی چیست؟

شکل‌های زندگی

زشت‌ترین انسان



نادر شهریوری (مدقق)

«اورهان تا زانو در برف فرو می‌رفت. لبه دامن پالتوش در برف بود. چه تنهایی عجیبی.»

داستانفلسفی در سرآغاز رمان «طلسمشدگان» روایتی انجیلی از شیاطین و اجنه‌ای می‌آورد که در گورهای کوهستانی سرزمین جدریان سکنی داشتند و پس از خروج از جسم مردی که طلسمش کرده بودند به گله‌ای از گراز‌ها داخل شدند. آن گله از بلندی به دریاچه جسته و خفه شدند. مسیح پیش از شفا دادن مرد طلسم‌شده از او می‌پرسد نامت چیست؟ آن مرد می‌گوید نامم لچئون است زیرا ما بسایریم و در هر آدمی دخول می‌کنیم و او را به تسخیر خود درمی‌آوریم. شیاطین اگرچه بسیارند اما به‌نظر داستانفلسفی این قوای خبیث تنها یک هدف دارند و آن اینکه با تسخیر روح آدمی او را همچون گراز‌ها از بلندی به پستی سقوط می‌دهند تا او را از کل خود جدا کرده و در انزوایی درونی قرار دهند تا د‌فرد جدا شده از کل، در خلأ درونی خود، خود را مجاز به هر کاری بدارند.

رمان «سمفونی مردگان» داستان زوال خانواده‌ای به نام جابر اورخانی است زیرا اعضای خانواده یکی پس از دیگری می‌میرند. شروع داستان هنگامی است که اورهان – یکی از برادران – که خود را صاحب ثروت و حجره پدر می‌داند از آن می‌ترسد که دختر برادرش آیدین، روزی به حجره بیاید و از او ارث پدر خود را طلب کند. این موضوع سبب می‌شود تا اورهان به تحریک پاسیان ایاز – که از عقیده و رفتار آیدین نفرت دارد – تصمیم به کشتن برادر خود بگیرد. شروع داستان ادامه خطی نم‌ی‌یابد بلکه به صورتی تودرتو با یادآوری گذشته و ترکیب واقعیت و خیال، انزوا و سپس زوال افراد خانواده را بازگو می‌کند. تک‌تک افراد خانواده اورخانی می‌میرند اما رمان «سمفونی مردگان» تراژیک نیست بلکه داستان حول برادرکشی ساخته و پرداخته می‌شود. نویسنده می‌گوید: «من هابیل و قابیل دوراسم را روایت کردم» آنچه در ماجرای هابیل و قابیل مهم است و به سمفونی مردگان ارتباط می‌یابد آن هنگام است که برادر برای حکمیت با قربانی‌هایشان به حضور خداوند می‌روند. هابیل بهترین دام خود را می‌آورد و قابیل بهترین محصولش را برای خود نگه می‌دارد، «قربانی یعنی آنچه دوست‌تر می‌داری و عزیزتر ثلث معبود کنی. اما قابیل بهترین محصول را برای خود نگه می‌دارد و چیزی را به قربانگه‌ای می‌آورد که گواه بخل نفسش است و موجب سرزنش خداوند.» داستان هابیل و قابیل اگرچه سمبلیک است اما دارای اهمیت زیادی است، آنچه هابیل را ارزش می‌دهد همانا پیوندی است که او را به «اکل» می‌رساند. هابیل خودش را جزئی از وجود حقیقی می‌داند زیرا وجود حقیقی آن کلبیتی است که خودش را به صورت وحدت در کثرت آشکار می‌سازد، در حالی که قابیل تنها بروای خودش را دارد، او آدمی است خودخواه و حسود که می‌خواهد از کل بگسلد. «آن شب آیدین خواب دید که مسیح شده است، با تاج خاری بر سر و صلیبی بر دوش، او را به بیابانی برند که مصلوب کنند.» آیدین در سمفونی مردگان چندین‌بار به مسیح تشبیه می‌شود، این موضوع از دیگری دریافت نکند انگیزه روحش مستعد برای ورود قوای شیطانی است، پل قدیس اعتقاد دارد تمام فرامین مسیح تنها در یک جمله خلاصه می‌شود: «به همسایه‌ات همچون خویشن عشق بورز.» در اینجا عشق به مثابه میانجی‌ای است که شخص را به کل می‌رساند و او را جزئی از وجود آن متغیر عالی که با ارزش است می‌کند. اما اگر آدمی کل به عنوان دیگری را در نظر نگیرد که ناتوان از عشق‌ورزیدن به دیگری باشد و چراغ کوچک روحش، هیچ سوختی از دیگری دریافت نکند انگیزه روحش مستعد برای ورود قوای شیطانی می‌شود، در این صورت قوای خبیث شیطانی به نرزش می‌روند و او را در خلأ گشوده خویش فرو می‌برند، در اینجا فرد منزوی و قائم‌به‌ذات می‌شود، اما نه آنکه به‌خاطر انزوایش قدرتی نداشته باشد که بالعکس قوای خبیث نیرویش را افزایش داده و تشدید می‌کنند تا او را تسلیم احساس‌های تند و افراطی کرده تا آنجا که به برادرکشی واردارش کنند. «آن‌وقت کشمکشش توی یک گودال، خواست‌منش روح خاک بریزم اما دلم نیامد، کمربندم را باز کردم و دور گردنش حلقه انداختم و کشیدم. صدالش درنمی‌آمد و حرکتی نمی‌کرد... من بی‌توجه کشیدم و آنقدر کشیدم که نفسم برید. نمی‌خواست بمیرد، سگ‌جان شده بود. من چاقوی کوچکم را از جیبم درآوردم و رگ‌های او دستن را بریدم. کنارش نشستم تا خوش تمام شود اما هیچ خبری نبود و خونی نمی‌آمد. فکر کردم که قطعه‌قطعه‌اش کنم اما چاقوی جیبی‌ام خیلی کوچک بود و گوشت تش را با دو دست بلند کردم و چنان به رگ‌های کوبیدم که حس کردم چیزی زیر دستم فرو نشست.» فضای رمان «سمفونی مردگان» زبر صفر درجه است. سرما در آنجا بیداد می‌کند و نفرت زنانه می‌کشد، همه از آن نفرت دارند. جابر اورخانی پدر خانواده از برادرش صابر نفرت دارد، او در عروسی دخترش آیدا شرکت نمی‌کند زیرا از دامادش نفرت دارد، حتی مادر عشقش را فقط به آیدین نشان می‌دهد و اورهان در این میانه بعدبیل خودخواهی و دستاندش برادرکشی می‌کند، جان آدمی از همان لحظه‌ای که از عشق باز‌می‌ماند ناگزیر به آشوب کشیده می‌شود و از هر آنچه زشت است حتی شلامان می‌شود با این حال سرمای زبر صفر درجه حتی اورهان را هم منجمد می‌کند و از بین می‌برد. نویسنده در توصیف شیاطین زمان خود استانده عمل کرده، به بیانی دیگر او به‌خوبی توانسته سرمای زبر صفر درجه را توصیف کند، ممکن است محیط اطرافش الهام‌بخش او برای توصیف سرمای زبر صفری باشد که او را در میان گرفته، اما وی آنجا که به مسیحای مسیح‌گونه تبدیل می‌رسد نباید به توصیف علّامی از رفتارهای او به‌ویژه ناگزیر می‌شود.» رفتارهایی مانند عشق و صلح‌جویی که آیدین آن را به‌رغم همه بلاها و مصیبت‌ها تا آخرین لحظه زندگی‌اش در خود محفوظ نگه داشت، آراش هابیل‌گونه آیدین تا به آن حد است که حتی آن هنگام که اورهان به قصد کشتنش به شهرواره می‌رود، آیدین آن آراش را از دست نمی‌دهد. «گفتیم... حالا پاشو راه برفت / گفت: بگذار این مرغ‌های دریایی به ساحل برسند / آخ که دیوانه‌ام که / گفتیم: مرغ‌های دریایی؟ گفت: بیابنیش و جاب‌ز کرد، کنارش نشستم. با دست جایی در آسمان را نشان داد: می‌بینی؟ چه بالی می‌زنند، آنکه تک می‌برد پرند صلح است. من خیلی دوستش دارم.» آیدین می‌گوید آنکه تک می‌برد پرند صلح است، این بهترین تمثیل برای ناباکی جهانی است که پر از اورهان‌ها و شیاطین است، با این حال چیزی آیدین را حتی آن هنگام که اسیر دست اورهان است از اورهان قوی‌تر می‌کند و آن وجه ایجابی پیوستن به دیگری است این اشتیاق پیوستن تنها به میمایج عشق تحقق می‌یابد.

پی‌نوشت‌ها:

^[1] * به نظر می‌رسد تراژدی مضامین داستان‌های یونانیان پیش از سقراط است

^[2] * به نظر می‌رسد تراژدی مضامین داستان‌های یونانیان پیش از سقراط است

^[3] * به نظر می‌رسد تراژدی مضامین داستان‌های یونانیان پیش از سقراط است

^[4] * به نظر می‌رسد تراژدی مضامین داستان‌های یونانیان پیش از سقراط است

^[5] * به نظر می‌رسد تراژدی مضامین داستان‌های یونانیان پیش از سقراط است

^[6] * به نظر می‌رسد تراژدی مضامین داستان‌های یونانیان پیش از سقراط است

^[7] * به نظر می‌رسد تراژدی مضامین داستان‌های یونانیان پیش از سقراط است

^[8] * به نظر می‌رسد تراژدی مضامین داستان‌های یونانیان پیش از سقراط است

^[9] * به نظر می‌رسد تراژدی مضامین داستان‌های یونانیان پیش از سقراط است

^[10] * به نظر می‌رسد تراژدی مضامین داستان‌های یونانیان پیش از سقراط است

^[11] * به نظر می‌رسد تراژدی مضامین داستان‌های یونانیان پیش از سقراط است

^[12] * به نظر می‌رسد تراژدی مضامین داستان‌های یونانیان پیش از سقراط است

^[13] * به نظر می‌رسد تراژدی مضامین داستان‌های یونانیان پیش از سقراط است

^[14] * به نظر می‌رسد تراژدی مضامین داستان‌های یونانیان پیش از سقراط است

^[15] * به نظر می‌رسد تراژدی مضامین داستان‌های یونانیان پیش از سقراط است

^[16] * به نظر می‌رسد تراژدی مضامین داستان‌های یونانیان پیش از سقراط است

^[17] * به نظر می‌رسد تراژدی مضامین داستان‌های یونانیان پیش از سقراط است

^[18] * به نظر می‌رسد تراژدی مضامین داستان‌های یونانیان پیش از سقراط است

^[19] * به نظر می‌رسد تراژدی مضامین داستان‌های یونانیان پیش از سقراط است

^[20] * به نظر می‌رسد تراژدی مضامین داستان‌های یونانیان پیش از سقراط است

^[21] * به نظر می‌رسد تراژدی مضامین داستان‌های یونانیان پیش از سقراط است

^[22] * به نظر می‌رسد تراژدی مضامین داستان‌های یونانیان پیش از سقراط است

^[23] * به نظر می‌رسد تراژدی مضامین داستان‌های یونانیان پیش از سقراط است

^[24] * به نظر می‌رسد تراژدی مضامین داستان‌های یونانیان پیش از سقراط است

^[25] * به نظر می‌رسد تراژدی مضامین داستان‌های یونانیان پیش از سقراط است

^[26] * به نظر می‌رسد تراژدی مضامین داستان‌های یونانیان پیش از سقراط است

^[27] * به نظر می‌رسد تراژدی مضامین داستان‌های یونانیان پیش از سقراط است

^[28] * به نظر می‌رسد تراژدی مضامین داستان‌های یونانیان پیش از سقراط است

^[29] * به نظر می‌رسد تراژدی مضامین داستان‌های یونانیان پیش از سقراط است

^[30] * به نظر می‌رسد تراژدی مضامین داستان‌های یونانیان پیش از سقراط است

^[31] * به نظر می‌رسد تراژدی مضامین داستان‌های یونانیان پیش از سقراط است

^[32] * به نظر می‌رسد تراژدی مضامین داستان‌های یونانیان پیش از سقراط است

^[33] * به نظر می‌رسد تراژدی مضامین داستان‌های یونانیان پیش از سقراط است

^[34] * به نظر می‌رسد تراژدی مضامین داستان‌های یونانیان پیش از سقراط است

^[35] * به نظر می‌رسد تراژدی مضامین داستان‌های یونانیان پیش از سقراط است

^[36] * به نظر می‌رسد تراژدی مضامین داستان‌های یونانیان پیش از سقراط است

^[37] * به نظر می‌رسد تراژدی مضامین داستان‌های یونانیان پیش از سقراط است

^[38] * به نظر می‌رسد تراژدی مضامین داستان‌های یونانیان پیش از سقراط است

^[39] * به نظر می‌رسد تراژدی مضامین داستان‌های یونانیان پیش از سقراط است

^[40] * به نظر می‌رسد تراژدی مضامین داستان‌های یونانیان پیش از سقراط است

^[41] * به نظر می‌رسد تراژدی مضامین داستان‌های یونانیان پیش از سقراط است

^[42] * به نظر می‌رسد تراژدی مضامین داستان‌های یونانیان پیش از سقراط است

^[43] * به نظر می‌رسد تراژدی مضامین داستان‌های یونانیان پیش از سقراط است

^[44] * به نظر می‌رسد تراژدی مضامین داستان‌های یونانیان پیش از سقراط است

^[45] * به نظر می‌رسد تراژدی مضامین داستان‌های یونانیان پیش از سقراط است

^[46] * به نظر می‌رسد تراژدی مضامین داستان‌های یونانیان پیش از سقراط است

^[47] * به نظر می‌رسد تراژدی مضامین داستان‌های یونانیان پیش از سقراط است

^[48] * به نظر می‌رسد تراژدی مضامین داستان‌های یونانیان پیش از سقراط است

^[49] * به نظر می‌رسد تراژدی مضامین داستان‌های یونانیان پیش از سقراط است

^[50] * به نظر می‌رسد تراژدی مضامین داستان‌های یونانیان پیش از سقراط است

^[51] * به نظر می‌رسد تراژدی مضامین داستان‌های یونانیان پیش از سقراط است

^[52] * به نظر می‌رسد تراژدی مضامین داستان‌های یونانیان پیش از سقراط است

^[53] * به نظر می‌رسد تراژدی مضامین داستان‌های یونانیان پیش از سقراط است

^[54] * به نظر می‌رسد تراژدی مضامین داستان‌های یونانیان پیش از سقراط است